

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد حیدر اختر
۱۶ فیبروری ۲۰۲۴



محمد حیدر اختر

به مناسبت (۱۵ فیبروری)

خروج قشون سرخ شوروی سابق از افغانستان*



در روز ۱۵ فیبروری ۱۹۸۹ مطابق ۲۶ دلو ۱۳۶۸ خورشیدی، قشون سرخ شوروی سابق از طریق پل حیرتان سر افکنده و خجالت زده افغانستان را ترک نمودند. آخرین جنرال روسی درحالی که دربالای زرهپوش نشسته بود قدرت آن را نداشت که به عقب نگاه کند زیرا می دانست که در افغانستان شکست خورده اند.

قشون سرخ شوروی سابق در ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ مطابق ۶ جدی ۱۳۵۸ به سرزمین افغانستان تجاوز نمود تا رژیم سفاک امین خلقی را که کار آمدی‌تر نداشت، از بین ببرد، و رژیم دست‌نشانده دیگری را از پرچمی‌ها به رهبری مداری سیاسی، کامل، نصب نماید. در ۶ جدی این کار عملی شد.

پس از آن قوای نظامی روس‌های متجاوز و بی‌رحم به یاری دست‌نشانندگان و سازمان‌مخوف‌خاد، کوشش کردند که به رژیم دست‌نشانده یاری رسانده و آن را سرپا نگه دارد. همچنان از سرمایه‌گذاری‌های که در سال‌های متمادی در افغانستان نموده بود، زیر نام «دفاع از سرحدات جنوبی» خود با «قطعات محدود» یک صد هزار نفری دفاع کرده و نام این تجاوز آشکار را پاسداری از «انقلاب برگشت‌ناپذیر هفت‌ثور» گذاشت.

پیامد‌های این تجاوز برای افغانستان و مردم زجر کشیده ما بسیار زیانبار بود. همه ما شاهد آن بودیم که تجاوزگران و هم‌رژیم دست‌نشانده شوروی سابق یعنی باند خلق و پرچم دست‌به‌دست هم داده، در بربادی و نا‌بسامانی در افغانستان سهم گرفتند. شیرازه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و روانی مردم افغانستان از هم پاشید. فضای خفقان‌زایی به وجود آمد و کشور را به خاک و خون کشانیدند. از کشته‌ها پشته‌ها ساختند، یک ونیم میلیون انسان بی‌گناه را از بین بردند. بیشتر از پنج میلیون از هموطنان ما را به کشورهای ایران، پاکستان، هند، کشورهای اروپایی، آمریکا، کانادا و استرالیا مهاجر ساختند. هزاران کودک را بی‌پدر و بی‌مادر، هزاران زن را بی‌شوهر و هزاران مرد را بی‌همسر ساختند. بیشتر از دویست میلیون انسان بی‌گناه دیگر را که راه فرار نداشتند در داخل کشور آواره و سرگردان نمودند. ده‌ها هزار جوان را گوشت‌دهن توپ ساخته به جبهه جنگ روان کردند. درحالی که فرزندان خود را بهترین بورس‌ها دادند. ده‌ها هزار انسان را با پرتاب راکت و بم‌بی سرپناه نمودند. دهات و قصبات را به آتش کشیدند. هزاران انسان جامعه ما را به امراض روانی مبتلا ساخته و هزاران انسان معلول و معیوب را بر جای گذاشتند.

فراموش ما نمی‌شود که با کودتای ننگین هفت‌ثور و به تعقیب آن تجاوز قشون سرخ شوروی سابق در افغانستان، خیزش عظیم مقاومت جویانه مردم ما و جان‌نثاری‌های بی‌دریغانه آن‌ها علیه متجاوزان مسلح روسی و دست‌نشانندگان آن به مقصد استقلال و آزادی دوباره و کسب حیثیت ملی و انسانی تبارز یافت. تجاوزکار مغرور و جهانیان غافل را سخت تکان داد. زیرا در آن زمان اصلاً باور نمی‌شد که آیا یک ملت فقیر و کوچک خواهد توانست یک کشور بزرگ مثل شوروی را از پا در آورد؟

همه می‌پرسیدند که آیا افغانستان به یکی از اقمار شوروی مبدل خواهد شد؟ آیا روزی خواهد رسید که ارتش روس افغانستان را ترک نمایند؟

مبارزات مردم افغانستان به اشکال مختلف به پیش می‌رفت. مبارزه نظامی، سیاسی و دیپلماتیک در ساحت کشور، منطقه و جهانی به شدت تعقیب می‌شد تجاوز کاران شوروی و دست‌های شکنجه‌گر و ظن‌فروش خلق پرچم به حمله‌های تعارضی آغاز نموده و شرایط بگیروبیند و بکش را پیشه خود ساختند. مخالفان جهانی شوروی سابق نیز آرام ننشستند و یکی به دنبال دیگر به کشورهای پاکستان سرانجام شدند و به سروی نیروهای شوروی و روحیه مقاومت مردم افغانستان و امکانات آن را از سوی دیگر آغاز کردند و بعداً برای مجاهدین افغان از طریق آی‌اس‌آی و سازمان‌های جاسوسی خویش برای پاکستان و رهبرانی که ظرفیت مزدور شدن را داشتند، کمک‌های اقتصادی و نظامی را ارسال داشتند.

اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی در طول سال‌هایی که در افغانستان مشغول جنگ بود در مقابل مقاومت سرتاسری جانبازان افغانستان تاب استقامت نیاورده و بیشتر از پانزده هزار کشته و ده‌ها برابر معیوب داد و هم‌ازنگاه اقتصادی به

مشکلات زیادی روبه رو شده تا این که مجبور شد از افغانستان خارج شود و به روز ۱۵ فروری ۱۹۸۹ از افغانستان برآمد

اما باند خلق و پرچم را تا به دندان مسلح رها کرد. رژیم دست نشانده به رهبری داکتر نجیب یک از مهره های فعال و سرسپرده کی جی بی سه سال دیگر با دریافت مساعدت های شوروی سابق و هم ذخایر جنگی که برایشان باقی مانده بود وبا استفاده از نابسامانی وبی اتفاقی وبی کفایتی تنظیم ها، درمقابل جهاد افغانستان مقاومت کردند. تا کار به جایی رسید که بین جناح های باند خلق و پرچم مخالفت های بیشتر و رنگارنگ به شمول قومی و منطقه ئی و لسانی بروز نموده و رژیم را در آستانه سقوط قرار داد.

سر انجام رژیم دست نشانده شوروی سابق در سال ۱۹۹۲ سقوط نمود. اما تعداد کثیری از رهبران سیاسی، نظامی و فرهنگی وبه خصوص خادیسست های باند خلق و پرچم باجیب ها پر از دالر از کشور فرار نموده، به کشور های اروپائی سرازیر شدند.

تعدادی از اعضای باند خلق و پرچم ظاهراً در کشورهای اروپائی تغییرمفکوره داده با پشیمانی از گذشته شان گوشه گیری اختیار نمودند. یک تعداد شان طبق منطق خود فروشی، خود را به غرب ویا بنگاه های نشراتی آن فروختند. اما بعضی از سرسپردگان خلق و پرچم در همان هوا وفضاء باقی ماندند. و هنوز هم که هنوز است، تغییر عقیده نداده و تجاوز عریان شوروی سابق را قبول نداشته !!، بلکه به دیگران نصیحت هم می کنند. به طور مثال یکی از شکنجه گران خادش درک که به نام مشهور «گردن شکن» معروف بود و فعلاً در کشور سویدن ریزه می خورد، طی یادداشتی نوشته بود: رویداد ششم جدی ۱۳۵۸ را با بصیرت وواقعیینی نگریست، نه با تعصب و تنگ نظری!

دراین یادداشت قسمی وانمود کرده است که گویا بعداز تجاوز قشون سرخ شوروی سابق و روی کار آمدن رژیم دست نشانده شوروی سابق تحت رهبری ببرک کارمل «شاه شجاع روسی» در افغانستان خیر و خیریت بوده و آب از آب تکان نخورده، زندان ها کاملاً خالی بوده و هیچ یک از شهروندان افغانستان آزار واذیت ندیده است. در حالی که همه مردم شریف و با وجدان افغانستان شاهد همه جنایات، خونریزی، بگیری و ببند و بکش در افغانستان بودند زندان ها از مردم بی گناه پر بود و هیچ فرقی از زمان حفیظ الله امین و اسد الله سروری نداشت. حتی اسدالله سروری سفاک معاون ببرک تعیین شده بود و جنایتکاران خلقی به غیر از چند تن (که شاید اطلاعات دیگری داشتند کشته شدند) متباقی باز هم به خونریزی وخیانت ادامه دادند. زیری، پنجشیری، میثاق و... از رهبران آنها باز در رکاب کارمل و قوای متجاوز جانفشانی کردند. اما همین آقای خادیسست که در بطن فرهنگ خانوادگی نیز از مردم کشی تغذیه کرده است، با گذشت بیست و چند سال یاوه سرائی کرده، پند می دهد که تجاوز واقعبینانه دیده شود. امروز ادعا دارد که بعداز شش جدی هیچ ظلمی صورت نگرفته. ولی من خودم شاهد بردن چند تن از همکاران رادیو تلویزیون افغانستان به وسیله همین خادیسست بودم که هرگز برنگشتند.

بعد از خروج قوای شوروی، چندی گذشت که خود «برادر بزرگ» پرچو و مضمحل شد. سر دیگ باز شد. دروغ های دوره های قبلی آشکار گردید. جنرال های روس، گوربچف، شواردنازه وزیر خارجه، بعضی اعضای نمرده وزنده مانده دوران برژنف... اعتراف کردند که بد کرده بودیم که به افغانستان تجاوز کردیم. مگر نه خائنان وطنی به شمول خائنان قلمی آنها (شاعر صاحبان انقلابی، داستان نویسان «ریالیست»)، سر عقل نیامدند که بفهمند که چه بود وچه شد. زیرا خود را به خوابی زدند که بیدار نشوند. نخواستند بفهمند که کودتا جنایت آورد. با سهم اضافه خلق و پرچم وچندی با سهم بیشتر خلقی ها. مخصوصاً باند جنایتکار امین وتره کی. بعد از تجاوز، سهم بیشتر پرچمی ها. و تباهی داشت و نداشت مردم و کشور به وسیله قوای متجاوز.

یک تعداد زیاد آن ها جنگ های داخلی کابل را که به وسیله قوت های قدرت طلب کابل را ویران کرد به رخ کشیده کوشش دارند که جنایت خود را پت و پنهان کنند. مگر معلوم و واضح است که در همان جنگ پرچمی و خلقی فقط به اندازه نیم سانتی گذاشتن ریش ریاکاری ، تیل به هیزم جنگ می ریختند. دارو دسته های وابسته به ببرک مثل کودتا چی خونخوار نبی عظیمی، جنرال خدا داد، وابستگانی که طرف رشید دوستم رفتند، رفقای تنی . . . کدامشان نبود که در جنگ های کابل خون ریزی نکرده باشند. البته با این دلخوشی که جنگ تنظیم ها را بیشتر کنیم تا بازگشت ما آماده شود!!

سران تنظیم ها و کسانی که برادرکشی را به راه انداختند، هم مسؤلیت خود را دارند مگر روی شما را کارنامه آنها پاک نمی کنند. همینطور موجودیت قوای بیگانه در این زیادتر از دو دهه و یا بی کفایتی های ارگ نشینان طالب نکتائی دار و بی نکتائی، مسؤلیت خود را دارند.

فعلاً مهم این است که خائنان درس بگیرند. با سایت ها و محافل و مجالس فریبنده و دایر کردن سالگره ها و یا کرد ها از خائنان قلمی ، فرزندان خود را فریب ندهند. چون تمام مردم سوابق آنها را می شناسند. همانطوری که "رنجبر ها" از هر ها، عظیمی ها، تنی ها، گلاب زوی ها . . . را خوب شناختند. اولاد و نواسه های تان هم شما را می شناسند که کودتا کردید ، خونریزی کردید، وطن را بدتر از زمان شاه شجاع توسط کارمل و کارملی ها فروختید. دشمن متجاوز شما را تنها ماند و فروخت. قوای خود را خارج کرد. ۱۵ فبروی روزیست که صدای آن به شما این پند را می دهد ولی شما خود را به کری زده اید به کری!

* - باز نشر.